برنامه هفتم توسعه دستپخت مشترک دولت و مجلس نکات عجیبی دارد

این برنامه ژول‌ورنی را اصلاح کنید

فاطمه بریمانی‌وزندی
خبرنگار گروه نقد روز

مجلسی‌ها در روزهای آخر حضورشان در خانه ملت چشم‌اندازی برای پنج سال آینده سینمتیم اجرایی کشور ترسیم و تبیین کردند. این روزها خانه ملت نشینان در گیر و دار تصویب برنامه هفتم توسعه هستند. برنامه‌ای که خردادماه سال جاری با ۱۱۷ ماده و ۱۵۱ صفحه به مجلس تقدیم شد و چندی قبل با تغییرات زیاد در ۲۳۶ صفحه به دولت بازگردانده شد. حجم این تغییرات به حدی است که برخی کارشناسان معتقدند برنامه تدوین‌شده دیگر از حالت عملیاتی خارج شده و وجهه‌ای شعارگونه به خود گرفته است. در ادامه برخی از مصادیقی را بررسی کرده‌ایم که دقت اعداد وارد شده به برنامه را به چالش می‌کشند.

داده کمی در حوزه فرهنگ جواب نمی‌دهد

همیشه فرهنگ یکی از حوزه‌های مناقشه برانگیز در برنامه‌های توسعه‌ای بوده؛ چراکه تاثیرات خود را در تمامی لایه‌های زندگی و به ویژه اجتماع برجای خواهد گذاشت. برنامه ابتدایی که از جانب دولت به مجلس داده شد، با تغییرات گسترده‌ای در حوزه فرهنگ و رسانه در کمیسیون تلفیق به تصویب رسید. در ادامه می‌توان به جدول ذیل بند (الف) ماده ۷۷ که اهداف کمی سنجه‌های عملکردی رسانه در سال را ارائه می‌دهد اشاره کرد. در این جدول اعداد و اهدافی ترسیم شده که اگر از نقطه‌کی جزئی نامتعارف هر برنامه تولیدی گذر کنیم، چشم‌اندازی که برای یک سال ترسیم کرده‌اند، اعدادی غیواقعی و بازنمایی می‌کند. در بند الحاقی ۳ بخش (ب) ماده ۷۶ وضعیت مطلوبی از پویانمایی یا ساخت انیمیشن ترسیم شده است. «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط مکلف است جهت افزایش میزان تولید پویانمایی (انیمیشن) به میزان هفت هزار و ۳۰۰ ساعت تا پایان برنامه، اقدامات و حمایت‌های ذیل را از بخش غیردولتی به عمل آورد. ...» اگر بخواهیم معادلی برای این ساعت انیمیشن قرار دهیم، می‌شود ۱۲۰۰ فیلم سینمایی در سال یا به تعبیری ۳،۵ فیلم سینمایی در روز. اگر این مقدار ساعت تولید انیمیشن داشته باشیم، آن وقت باید ۱۱ ماه از سال را به صورت شبانه‌روزی و بدون حتی بازپخش از تلویزیون انیمیشن بخش کنیم.

از دیگر اصلاحات کمیسیون تلفیق در حوزه فرهنگ و رسانه کاهش منابع درآمدی صداوسیما و سهم خواهی بیشتر از بودجه عمومی بوده است. در تبصره ۱ بند الف ماده ۷۷، صداوسیما مکلف شد سالانه ۱۰ درصد از حجم تبلیغات آگهی بازرگانی خود را کاهش داده و دولت در تبصره ۲ بند الف این ماده مکلف شد سهم سازمان صداوسیما از منابع بودجه عمومی را تا ۷۵ درصد افزایش دهد. این درحالی است که در قانون بودجه ۱۴۰۲، اعتبارات صداوسیما از بودجه عمومی حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان بوده که برابر ۰،۷ درصد از منابع بودجه عمومی است، افزایش ۷۵ درصدی سهم این سازمان نیازمند سالانه ۱۱ هزار میلیارد تومان منابع جدید است که برنامه هفتم در این رابطه ایده‌ای نداشته است.

البته اگر بخواهیم به موارد متعدد فرهنگی و رسانه‌ای به‌صورت جزئی بپردازیم تعداد اعداد و ارقام و ماده‌های عجیب بیشتر خواهد بود و از همین روی بسیاری از فعالان فرهنگی و رسانه‌ای بر تدوین و اجرای این برنامه اشکال وارد می‌کنند و آن را انتزاعی می‌دانند.

ذبح قانون کار، به بردگی کشیدن به بهانه ایجاد اشتغال

ماده ۶ برنامه توسعه به اشتغال اختصاص داده شده و در بند الحاقی ۲ از مناسبات جدیدی صحبت به میان آمده است؛ «به منظور ترویج نظام استاد-شاگردی و ارتقای مهارت‌آموزی، بنگاه‌ها و اصناف دارای حداکثر چهارنفر شاغل پیش‌بینی شده در پایان شهریور، ۱۴۰۲ می‌توانند تا حداکثر چهارنفر را با پرداخت دستمزد توافقی و بدون الزام به پرداخت حق بیمه بیکاری و بازنشستگی و صرفا با پرداخت حق بیمه درمان و ازکارافتادگی به‌کارگیری نمایند. به کارگیری اشخاص موضوع این بند برای هر فرد حداکثر دوسال و مشروط به حفظ تعداد شاغلین بیمه‌شده در تاریخ صدور این بند توسط بنگاه یا صنف در مدت استفاده از مزایای این بند می‌باشد.» برخی این بنده را که مطابق آن کارفرمایان با بیمه کردن چهارنفر می‌توانند حقوق و مزایای سایرین را نپردازند، ذبح کردن حق شاغلان بیمه نشده دانسته و از آن به بردگی تعبیر کرده‌اند. با این استدلال که هدف از قانون کار این بوده که از حقوق کارگر به عنوان قشر ضعیف دربرابر کارفرما حمایت کند. کارگر نیاز به کار و پول دارد، بنابراین ممکن است صورتهای برطرف کردن نیازش، به هر شرایط کاری تن بدهد و در نقطه مقابل کارفرما دوست دارد نیروی کار ارزان داشته باشد. بنابراین در همه دنیای حقوق حداقلی را برای کارگر به‌رسمیت شناخته‌اند تا اشخاص نتوانند به بهانه نیاز کارگر، آن را به استثمار بکشند. طبق این قوانین حداقلی، معین شد که کارگر چه حقوقی دارد، حقوق بیمه‌ای او به چه صورت است، ساعت‌های کاری را معین کردند و... حتی چون قانون کار با آن چیزی که در اصل اسلام با عنوان آزادی قراردادی آمده در تعارض بوده، وقتی بنا شد مجلس در سال ۶۹ قانون کار را تصویب کند، شورای نگهبان قانون کار را تایید نمی‌کرد و آن را خلاف شرع می‌دانستند. مساله شورای نگهبان این بود که مردم آزادند هر طور که می‌خواهند قرارداد ببندند. کارفرما و کارگر باید در انعقاد قرارداد شان آزاد باشند اما با اصرار مجلس وقت، این قانون به مجمع تشخیص رفت و مجمع تشخیص، مصلحت را در این دید که این قانون تصویب و از حقوق کارگر حمایت شود. در همه این سال‌ها شاهد چانه‌زنی‌هایی برای حداقل حقوق کارگر بوده‌ایم. کارفرماها مایل به افزایش حداقل حقوق نیستند و از آن طرف کارگران اصرار می‌کنند که این حداقل حقوق با سختگیری رفع نیازهای زندگی نیست و باید افزایش پیدا کند. دادن این اجازه به کارفرما که حداقل حقوق کارگران را نادیده بگیرد، این سوالات را پیش روی تدوین‌کنندگان برنامه هفتم قرار می‌دهد که آیا این برنامه با قواعد قانون کار سازگاری دارد؟ آیا متضمن امنیت شغلی کارگر است و آیا تضمین‌کننده کرامت انسانی آن کارگرهاست؟

مولفه‌های اقتصادی نتیجه هستند نه برنامه

در سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه که پس از تدوین مجمع، به تایید مقام معظم‌رهبری رسید، قرار بود برنامه هفتم توسعه برنامه‌ای پروژه‌محور باشد، یعنی به جای اینکه مانند گذشته ۱۵۰ یا ۲۰۰ حکم در برنامه گنجانده شود و نرخ تحقق برنامه‌های توسعه در حد ۱۰ درصد یا حتی کمتر باشد و اهداف مان محقق نشود، این بار بنا بود ۳۰ تا ۴۰ پروژه تعریف شود و بعد از پنج سال بگویند این ۴۰ کار مهم را انجام داده‌ایم. اما آن چیزی که مجلس تصویب کرده است، احکام محور بوده، بنابراین به‌نظر می‌رسد که همان مسیر برنامه ششم و برنامه‌های قبلی درپیش گرفته شده است. پروژه‌محوری یعنی شما ترسیم کنید برای ایجاد هر شغل چقدر سرمایه نیاز دارید و این سرمایه‌ها در چه بخش‌هایی باشد، مثلا اگر قرار است دولت چند صد متر مربع مسکن بسازد، طوری برنامه‌ریزی شود که مقدار زمین لازم، بازیافته دولتی، تسهیلات بانکی، آورده مردمی و همه مواردی که برای ساخت مسکن مورد نیاز است، پیش‌بینی شود. کاهش تورم، رشد اقتصادی، رشد اشتغال مولفه‌هایی هستند که اگر یک سری اقدامات در حوزه اقتصاد انجام شود حاصل می‌شوند، یعنی اگر توانستیم به رشد اقتصادی ۸ درصد برسیم، به ازای هر نیم درصد رشد اقتصادی، حداقل یک میلیون شغل ایجاد می‌شود یا زمانی که اشتغال به حدی برسد که نرخ بیکاری زیر ۱۰ باشد، این مساله به رشد اقتصادی کمک خواهد کرد و تزکیب این دو مولفه باعث مهار تورم می‌شود. اینها ماحصل نهایی هستند.

محیط زیست بی‌خانمان

در نسخه اولیه برنامه هفتم توسعه که توسط دولت به مجلس ارائه شد، برخلاف برنامه‌های پیشین فصل مجزایی برای محیط زیست و مسائل مرتبط با جایگاه آن در توسعه تنظیم نشد. کمیسیون تلفیق تغییراتی در لوایح و مواد داده و بندهای الحاقی در هر بخش قرار داد که طبق آن به مسائل حوزه منابع طبیعی و محیط زیستی هر بخش پرداخت. همان‌طور که بارها تاکید شد، برنامه هفتم، برنامه توسعه است و توسعه هم در فضای اجرایی و اتزاعی به بار نمی‌نشیند. توسعه باید در فضای محیط زیستی مطلوب محقق شود و با آگاهی کامل از محیط زیست و منطبق بر شرایط آن باشد. اما نگاهی به وضعیت محیط زیستی کشور حاکی است مهم‌ترین مشکلات کشور معطوف به مسائل محیط زیستی هستند. ازجمله فرونشست، خشکسالی، بیابان‌زایی، آلودگی هوا، ریزگرد و... همه اینها یک داستان و معضل جدا هستند. ریشه این بحران‌ها هم عدم توجه به قوانین مرتبط با منابع طبیعی، محیط زیستی و حفاظت و حمایت از این برنامه، سوءمدیریت در حل بحران‌ها، تصویب و اجرای طرح‌ها و پروژه‌هایی است که نه تنها منطبق با آمایش سرزمینی نیستند، بلکه توصیه رانت خواران و مافیای سیری‌ناپذیر به ویژه درخصوص پروژه‌های انتقال آب بین حوضه‌ای است. در شرایط فعلی که این انتظار می‌رفت برنامه هفتم راهکاری برای حل اختلاف و مشکلات معرفی و گره‌ای از مشکلات محیط زیست باز کند، خود به یکی از غده‌های مهم متفکران، اقتصاددانان و فعالان و کنشگران محیط زیست تبدیل شده است. در این خصوص شاید بتوان به دو دلیل عمده اشاره کرد. یک اینکه برنامه هفتم علی‌رغم وجود بحران‌ها، در اندیشه حل مشکلات محیط زیست نیست. عملا با حذف فصل محیط زیست، این پیام به مردم و جامعه کنشگری داده شده است که محیط زیست جایگاه و اهمیتی برای مسئولان ندارد. دوم اینکه نه تنها برنامه راهکاری برای وضعیت فعلی حل مشکلات ندارد، بلکه مواردی در خود آن گنجانده شد که شرایط محیط زیست را وخیم‌تر می‌کند. می‌توان در مورد محیط زیست این عبارت را به کار برد که محتوای برنامه در تعارض با عنوان آن است.

برنامه توسعه ضدتوسعه‌ای

یکی از ویژگی‌های این برنامه مانع‌زدایی برای اجرای طرح‌های مخرب محیط زیست ازجمله پروژه انتقال آب است. از عوامل تخریب و نابودی محیط زیست اجرا و تحقق برنامه‌های عمومی، عمرانی، توسعه‌ای بدون امکان‌سنجی، مکان‌یابی درست و ارزیابی و سنجش پیامدهای آنها است. در همین عدم توجه، در دل جنگل‌های هیرکانی شاهد معدن‌کاری، ویلاسازی و حتی کشاورزی هستیم یا در دل کویر، صنایع آب‌بر مستقر شده‌اند یا در شمال که باید طرح‌های گردشگری اجرا شود، صنایع پتروشیمی و صنایع آلاینده مجوز اجرا می‌گیرند. اینها همه جزء مواردی است که نشان می‌دهد دولت در برنامه هفتم نه تنها به دنبال توسعه نیست، بلکه طرح‌های ضدتوسعه را تشدید می‌کند و خیال ندارد که توسعه را در مسیر درستش قرار دهد تا این طرح‌ها خودشان به ضدتوسعه تبدیل نشوند و دامن مردم و سرزمین را نگیرند.

ماده ۲۲ درخصوص ارزیابی اثرات محیط زیستی طرح‌ها و پروژه‌های عمومی، عمرانی و تولید بزرگ است و از آنجا که ارزیابی اثرات محیط زیست همواره یکی از ابزارهای سازمان محیط زیست است که با آن می‌توانست جلوی برخی پروژه‌های غیرضروری و ضدتوسعه را بگیرد، این ماده برای کنشگران و فعالان بسیار ماده مهمی است. هرچند خود ماده در کمیسیون تلفیق دستخوش تغییراتی شد اما از پیامدهای آن کاسته نشد. در بند (الف) ماده ۲۲ حتی با تغییرات کمیسیون تلفیق، همچنان سازمان محیط زیست مکلف شد شاخص‌ها، ضوابط و معیارهای محیط زیستی را برای استقرار کاربری‌ها تهیه و تدوین کند و به تصویب شورای عالی محیط زیست برساند. در صورتی که به استناد تبصره (۲) ماده ۱۳ قانون «نحوه جلوگیری از آلودگی هوا» این ضوابط قبلا تصویب شده بود. این سوال وجود دارد که چه ضرورتی برای تغییر مجدد این ضوابط و معیارها وجود دارد؟ چند روز پیش برخی مسئولان سازمان محیط زیست مصاحبه کردند و گفتند به دنبال تغییر این ضوابط و معیارها هستند تا بتوانند موانع را از سر راه توسعه بردارند و مشخص نیست که آیا بند (الف) ماده ۲۲ در راستای همان مانع زدایی هست یا نه؟ باید شفاف شود که منظور از تغییر ضوابط و معیارها چیست.

در بند دوم همین ماده گفته شده: «مطالعات و ارزیابی زیست محیطی هرگونه احداث، توسعه و تغییر خط تولید و محل واحد های تولیدی مشمول ارزیابی اثرات زیست محیطی توسط دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های وابسته آنها، بخش‌های خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی در پهنه سرزمین از جمله مناطق آزاد تجاری، صنعتی و ویژه اقتصادی، باید قبل از اجرا و در مرحله امکان‌سنجی براساس این شاخص‌ها توسط مشاوران رسمی ذی‌صلاح تهیه و نتیجه آن در سامانه بارگذاری شود.» در این آورده شده مبنای این طرح‌ها و پروژه‌ها شاخص‌هایی هستند که قرار است تغییر پیدا کنند. درحالی‌که ملاک و معیار گزارش‌های ارزیابی محیط زیست اعم از پروژه‌های مشمول ارزیابی، شرح خدمات پروژه‌ها و حتی نحوه تعیین گزارش‌های آیین‌نامه ارزیابی از طرف محیط زیست بوده که در سال ۹۰ تصویب شده و در سال ۹۴ هم اصلاحیه خورده است. یعنی در اینجا به نوعی قرائند بررسی و اجرای گزارش‌های ارزیابی تغییر پیدا می‌کند. این ماده درحقیقت نقض سایر قوانین و مقررات درخصوص ارزیابی اثرات محیط زیستی طرح‌ها و پروژه‌هاست. در بند ۷ ماده ۲۲ باز هم نکته قابل تاملی وجود دارد؛ اختلاف درخصوص صدور یا عدم صدور مجوز توسط سازمان محیط زیست به کمیته حل اختلاف کشور ارجاع داده می‌شود. یعنی قرار است نظر این کمیته ملاک عمل قرار بگیرد که این خودش با اختیارات قانون سازمان حفاظت محیط زیست در تعارض است. سازمان حفاظت محیط زیست باید هم بررسی‌کننده و هم تعیین‌تکلیف‌کننده؛ این گزارش‌ها باشد. انتقال بخشی از وظایف سازمان به کمیته‌های دیگر به‌نوعی این سازمان را در صدور مجوزات و بررسی گزارش‌های ارزیابی تضعیف می‌کند.

تعارضات قانونی که محرز هستند

در راستای مواد قانونی متعددی که در برنامه مصوب کمیسیون تلفیق با مسائل محیط‌زیستی یا با قوانین و مقررات دیگر در تعارض قرار گرفتند، با الهام فریدونی فعال حوزه محیط زیستی گفت وگو کردیم.

یکی از مواد قانونی که جای تامل و بررسی بسیار دارد و کنشگران نسبت به آن حساسیت نشان داده‌اند، بند (ح) ماده ۲۰ است. ماده ۲۰ در کمیسیون تلفیق تغییر پیدا کرده و این بخش به این شرح است: «انتقال آب بین شش حوضه آبریز داخلی برای مصارف غیرشرب ممنوع است. تأیید تخصیص آب و اجرای طرح‌های انتقال آب شرب بین حوضه‌های آبریز و استان‌ها پس از طی مراحل فنی و تصویب در شورای عالی آب با لحاظ نیازهای زیست‌محیطی طبق استانداردها و حدود مجاز مندرج در اسناد و قوانین برای حقابه‌های مبدأ آسکان پذیر می‌باشد.» هرچند کمیسیون تلفیق اعلام کرد انتقال آب بین حوضه آبریز داخلی در خود دولت تصویب شده بود که طبق این مصوبه انتقال آب در حوضه‌های آبریز داخل برای مصارف غیرشرب ممنوع شد، اما این بند وقتی که به کمیسیون تلفیق رفت تغییر پیدا کرد. درخصوص تغییرات و پیامد آن فریدونی می‌گوید: «انتقال آب بین شش حوضه آبریز داخلی برای مصارف غیرشرب ممنوع شد. یعنی این ممنوعیتی که برای کل بود، فقط به شش حوضه اختصاص پیدا کرد. چنانچه این بند تصویب شود، ما شاهد اجرای طرح‌های پروژه انتقال آب حتی برای مصارف غیرشرب هستیم. درحقیقت در تبصره ذیل همین ماده هم کمیسیون تلفیق اعلام کرد که استحصال و انتقال آب از دریا و دریاچه‌ها مشمول حکم آبی بند نمی‌شود. یعنی باز هم همان داستان پروژه انتقال آب دریای خزر به قوت خودش باقی است و ما شاهد ممنوعیتی در این خصوص نخواهیم بود که این جای تاسف دارد. علی‌رغم اثرات و پیامدهای بسیار ناگواری که این پروژه‌ها بر محیط زیست و منابع طبیعی کشورمان دارند، بازهم در برنامه توسعه شاهد جلوگیری از آن نیستیم. یعنی با این وضع کمیسیون تلفیق نه‌تنها انتقال آب از دریا و دریاچه‌ها را از شمول ممنوعیت این ماده خارج کرده که ممنوعیت انتقال آب برای مصارف غیرشرب را در حوضه‌های آبریز داخلی به شش حوضه محدود کرده است. با توجه به اثرات انتقال آب مانند خشکاندن بخش‌های وسیعی از کشور و اعتراضات گسترده‌ای که مردم در استان‌های مختلف به اجرای این تغییرات داشتند، این مصوبات در کمیسیون تلفیق، نشان از بی‌توجهی نمایندگان نسبت به مشکلات مردم است.»

در یکی دیگر از بندهای ماده ۲۰ نکته مهمی آمده و مطابق آن تخصیص آب و اجرای طرح‌های انتقال آب شرب هم منوط به تصویب طرح‌ها در شورای عالی آب شده است. این فعال محیط زیستی می‌گوید: «این پروژه‌ها با سایر پروژه‌های محیط زیستی تفاوتی ندارند. اینها هم مشمول تهیه و تدوین قوانین مربوط به گزارش‌های ارزیابی اثرات محیط زیست هستند. بایستی از سازمان محیط‌زیست مجوز اخذ کنند و در اینجا هم بخشی از وظیفه سازمان محیط‌زیست به شورای عالی آب انتقال پیدا کرده است تا صدور مجوز این پروژه‌ها تسهیل شود. یعنی در اینجا شما قوانین مربوط به ارزیابی را نادیده گرفته‌اید و وظایف سازمان درخصوص مجوز هم نادیده گرفته می‌شود. این تغییرات با قوانینی که ما در حوضه صدور مجوز داریم در تعارض است.»

سازمان منابع طبیعی در بلاتکلیفی محض

درخصوص وظایف سازمان منابع طبیعی موارد متعددی در قوانین و مقررات قبلی و حتی در برنامه هفتم توسعه وجود دارد. اما مساله این است که وظایفی که نباید، به این سازمان محول شده و وظایفی که از پیش داشته، از سازمان گرفته شده است. ماده‌ای در برنامه هفتم تنظیم شده که به نوعی هم نقض قانون است و هم مقررات زدایی. بند (ج) ماده ۸۲؛ این بند در رابطه با مالکیت اراضی ملی و ساحلی است. مجوز واگذاری مکانی که عرصه ملی و دولتی محسوب شود، باید حداقل از سوی سازمان منابع طبیعی صادر شود؛ چراکه این سازمان تنها سازمانی است که درخصوص مالکیت اراضی ملی و دولتی، نمایندگی دولت و مردم را به عهده دارد. هر جا بناست مجوزی برای طرحی، پروژه‌ای اعم از گردشگری و موارد امثالهم در عرصه ملی و دولتی صادر شود، سازمان منابع طبیعی باید صادر کند. بند (ح) ماده ۸۲ نقض‌کننده قوانین واگذاری است. فریدونی پیرامون این ماده این طور می‌گوید: «طبق این بند از ماده ۸۲ تمامی تصمیم‌گیری‌ها برای اجرای طرح‌های گردشگری، اعم از صدور مجوز، پاسخ استعلامات، نحوه، فرآیند و قراردادهای واگذاری عرصه‌های ساحلی و پهنه‌های دریایی، همچنین استفاده از اسکله‌های موجود با کاربری‌های ترکیبی و... به شورای متشکل از استانداران استان‌های ساحلی، ادارات فرهنگی، کل راه و شهرسازی و... تفویض شده و تمامی مقررات مصوب شورا هم در طول اجرای برنامه ملغی گردیده است. یعنی در واقع می‌گوید از این تاریخ به بعد دیگر سازمان منابع طبیعی نقشی در نظارت بر واگذاری اراضی ساحلی و گردشگری ندارد. قوانینی که پیش‌تر در این حیطه تصویب شده هم ملغی می‌شوند. وظایف اصلی سازمان در این خصوص را هم از سازمان منابع طبیعی به شورای دیگری متشکل از استانداران ساحلی واگذار کردند که بازهم این نقض کلی قوانین مدنظر در درخصوص واگذاری است. ما درخصوص اراضی ساحلی یک قانون داریم که سال ۵۴ مصوب شده است، «قانون اراضی مستحدث و ساحلی کشور»، هرگونه واگذاری در این عرصه‌ها بایستی مطابق با این قانون صورت بگیرد. در متن قانون هم به صراحت نحوه واگذاری اراضی ساحلی ذکر و دستگاه واگذارکننده هم سازمان منابع طبیعی و سازمان جهاد کشاورزی مشخص شده است. وقتی ما در اینجا قانون داریم، نمی‌توان وظایف دستگاه‌ها را از آنها گرفت و به شوراها انتقال داد؛ آن هم شوراهای استانی. ماده ۸۲ نشان می‌دهد برنامه هفتم خیلی از قوانین کشور را نسبت به حفاظت و حمایت از محیط زیست و وظایف و تکالیف سازمان محیط زیست تا وظایف و اختیارات سازمان منابع طبیعی در حوزه منابع طبیعی کشور را نقض می‌کند.»

طبق ماده ۳۶ سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری مکلف و موظف به حفظ و احیای جنگل‌ها در چهارچوب طرح‌های «جنگلداری نوین» شده است. در رابطه با این طرح نوظهور هم باید در کنار وزارت جهادکشاورزی آمده است، باز هم تداوم ۳۶ در حالی است که در برنامه ششم در تبصره ۱ بند ۲ جزء ۳ ماده ۳۸ برنامه، سازمان منابع طبیعی مکلف شده که برای حفاظت از جنگل‌ها طرح جایگزین ارائه دهد. میلیاردها تومان هم صرف این طرح جایگزین شد، بعد از هشت سال نه‌تنها این سازمان این طرح را ارائه نداد، بلکه به جای اینکه امروز در نوامه هفتم از سازمان بخواهند این طرح که برایش این همه وقت و سرمایه گذاشته است را پیگیری کند، از طرح جدیدی به نام جنگلداری نوین رونمایی می‌شود.» مساله این است که آیا قرار است سازمان منابع طبیعی پنج سال دیگر مشغول تهیه و تدوین این طرح جدید شده و بازهم اعتباراتی صرف تدوین آن شود؟ زمان اجرای طرح چه موقع است؟ ما در برنامه هفتم از طرح جدید رونمایی می‌کنیم، پس زمان بهره‌وری از این طرح‌ها و به ثمر رسیدن‌شان کی است؟

فریدونی اشکال دیگری هم درخصوص بهره‌برداری چوبی به این ماده وارد می‌کند: «در همین ماده به ممنوعیت بهره‌برداری چوبی در جنگل پرداخته شده است، درحالی‌که در تبصره ۱ آن اجازه بهره‌برداری به شیوه‌های مختلف از جمله برداشت درختان ریشه‌کن، شکسته، افتاده و... داده شده است. این تبصره خود نشان می‌دهد که شیوه‌های دور زدن قانون توسط خود سازمان منابع طبیعی نادیده گرفته شده است. خیلی از درختان سرپا را به همین بهانه قطع کرده‌اند. خیلی از درختان سرپا نشانه‌گذاری شده‌اند. امروز به جای اینکه آسیب‌شناسی و بررسی کنند که چرا به بهانه‌های مختلف درختان جنگلی قطع می‌شوند، در برنامه هفتم این اجازه داده شده است.» و همچنین به بند (ب) ماده ۳۶ این طرح اشاره می‌کند: «مجوز اجرای طرح زراعت چوب در عرصه‌های جنگلی فاقد پوشش است. این بند خودش مغایر با اصل حفاظت و اصلاح جنگل‌ها است. وقتی ما می‌توانیم جنگل‌هایمان را با کاشت گونه‌های جنگلی احیا کنیم و باید هم این کار را کنیم، چرا باید طرح زراعت چوب را اجرا کنیم؟ آن هم طرحی که اصلا جزء تکالیف سازمان منابع طبیعی نیست. قانون می‌گوید شما جنگل را احیا کنید، نه اینکه در جنگلی که می‌توانید گونه جنگلی بکارید، گونه دستکاشت بکارید و تبدیل به طرح زراعت چوب کنید.»

بند (ب) ماده ۳۸ هم پس از تغییرات، «چنانچه نامهنگی شده و وظایف منابع آبخیزداری دچار تنوع نیازهای انتقال شده است. فریدونی در این خصوص تحلیلش را این طور ارائه می‌دهد: «هماهنگی و سیاستگذاری در منابع طبیعی آبخیزداری در این بند باز هم به وظایف شورای عالی آب اضافه شده است. هرچند این بند در کمیسیون تلفیق تغییر پیدا کرد، اما مجدد وارزانچاته جهاد راهم به آن اضافه کردند. از عنوان سازمان منابع طبیعی مشخص است، می‌گوییم سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور؛ یعنی کلیه فعالیت‌ها در حوضه آبخیز تحت‌کنکاب سازمان منابع طبیعی است، نه وزارت نیرو نه شورای عالی آب. بنابراین همین که وزارت نیرو در همین ماده در کنار وزارت جهادکشاورزی آمده است، باز هم تداوم سیاست‌های موازی کاراته است که امروز نتیجه‌آن را در خوضس خشکسالی شاهد هستیم. مثلا درخصوص خشک شدن تالاب‌ها نه وزارت نیرو و نه وزارت جهاد کشاورزی مسئولیت قبول نمی‌کنند. این مدل ترکیب ازوزارتخانه‌ها موجب می‌شود پس از بروز هر حادثه‌ای، مسئولیت آن را گردن دیگری می‌اندازند. درست جایی که باید راهکار یا برنامه‌ای برای از بین بردن این موازی‌کاری رخ می‌داد، متاسفانه برنامه هفتم توسعه، بازهم نتوانست کاری را از پیش ببرد و اتفاقا بند (ب) ماده ۳۸ تکالیف این دو وزارتخانه را بیشتر با یکدیگر ترکیب کرده و تداخل تکالیف ایجاد می‌کند.»

مروری بر برخش‌های مهم برنامه توسعه

آدرس‌های غلط برنامه هفتم

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

قرار بود دولت بودجه ۱۴۰۲ را بر مبنای قانون برنامه هفتم توسعه تدوین کند اما چون برنامه هفتم به مجلس نرسید، بودجه بر مبنای برنامه ششم تصویب شد. بالاخره بعد از تاخیرهای ادامه‌دار، اواخر خرداد امسال دولت لایحه برنامه هفتم توسعه را تحویل مجلس داد و مجلس به بررسی لایحه پرداخت اما لایحه برنامه ششم، هفت ساله شد و تا اواخر سال ۱۴۰۲ تمدید شد. بررسی لایحه برنامه هفتم نیز با حواشی زیادی همراه بود. از طرفی دولتی‌ها معتقد بودند، مجلس برخی بند‌ها و تصمیمات دولت را حذف کرده و آنچه به آن اضافه کرده خیلی بیشتر از منابع است و قابل تحقق نیست. مجلسی‌ها نیز اظهار می‌کردند لایحه‌ای که دولت تحویل مجلس داده، کلی بوده و ایرادات قابل‌توجهی داشته است. فارغ از اختلافات موجود میان مجلس و دولت، برخی مواد و بند‌های موجود در لایحه نهایی که از جهاتی قابل توجه بود را حذف کردیم تا در ادامه می‌خوانید.

اختصاص درصدی از درآمد نفت و گاز به استان‌های نفت‌خیز

دولت مکلف است یک‌سوم درصد درآمد حاصل از صادرات نفت خام، میعانات گازی و خالص صادرات گاز طبیعی (پارامس سهم هر استان در ارزش تولید نفت خام، میعانات گازی و گاز طبیعی که بر مبنای قیمت صادراتی این سه محصول ارزش‌گذاری می‌شود) به استان‌های نفت خیز و گازخیز و دوسوم باقی‌مانده را به شهرستان‌ها، بخش‌ها و دهستان‌های کمتر توسعه‌یافته که براساس شاخص‌های توسعه‌نیافتگی توسط سازمان تعیین می‌شوند، تخصیص دهد.

خصوصی‌سازی فرودگاه‌های کشور

به وزارت راه و شهرسازی اجازه داده می‌شود براساس آیین‌نامه اجرایی که به پیشنهاد مشترک وزارت مذکور و سازمان با رعایت ضوابط و استانداردهای سازمان فرودگاه‌های کشور به تصویب هیات وزیران می‌رسد، بهره‌برداری از فرودگاه‌های کشور به استثنای فرودگاه‌های امام خمینی (ره) و مهرآباد تهران را به بخش خصوصی واگذار کند.

ایجاد بازار مبادله آب‌های غیرمتعارف

وزارت نیرو مکلف است در سال اول اجرای این قانون، با رعایت مباحث مربوط به بیلان منابع آب و در راستای تعادل بخشی به سفره‌های آب زیرزمینی، بازار مبادله آب‌های غیرمتعارف را با حفظ کاربری آب و جلوگیری از آلودگی و تخریب خاک ایجاد کرده و برای تشویق سرمایه‌گذاران، حمایت‌های لازم را از طریق اعطای مجوزها، کمک‌های فنی و اعتباری و استفاده از تسهیلات بانکی صورت دهد. آیین‌نامه اجرایی این بند مشتمل بر سازوکار این بازار، شرایط مبادله، حجم، دوره و نوع مصرف آب باید بیشنهاد وزارت نیرو و همکاری سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور و وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، جهاد کشاورزی و صنعت، معدن و تجارت ظرف شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون تهیه می‌شود و به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

تدوین قانون برنامه ملی توسعه هوش مصنوعی ظرف ۶ ماه

مرکز ملی فضای مجازی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات با همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی مرتبط، موظف است در راستای حمایت از توسعه زیست‌بوم تحول‌آفرین هوش مصنوعی قابل اعتماد و پایدار، ظرف شش ماه از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون، برنامه ملی توسعه هوش مصنوعی، را به منظور تعیین چهارچوب‌ها و سازوکار تعامل تمامی ذی‌نفعان، فراهم کردن دانش و زیرساخت‌های پایدار فنی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی، ترویج و افزایش آگاهی نسبت به کارکردهای هوش مصنوعی در زمینه‌های مختلف و همچنین آگاهی نسبت به خطرات بالقوه آن را تدوین و به تصویب شورای عالی فضای مجازی برساند.

دولت موظف به ایجاد عرصه برای توسعه فعالیت اقتصاد دریامحور

دولت مکلف است نسبت به واگذاری عرصه و ایجاد زیرساخت، اعطای تسهیلات، اعمال معافیت‌ها و مشوق‌های لازم در سواحل جنوبی به استان‌ها برای توسعه فعالیت‌های اقتصاد دریامحور براساس آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیات وزیران می‌رسد، اقدام کند.
همچنین در راستای پایدار کردن شرایط دریای خزر، دولت مکلف است مطالعات، تسهیلات و اقدامات لازم را انجام دهد.

اختصاص یک درصد از قیمت فروش خودروسازها به خرید آمبولانس

ارسال دوم اجرای برنامه کلیه شرکت‌های تولیدکننده و وارادکننده خودرو و موتورسیکلت مکلفند حسب مورد به ازای فروش هر دستگاه خودرو، ماشین‌آلات سنگین و سبک و موتورسیکلت، یک درصد از قیمت فروش خود را جهت خرید و تحویل آمبولانس و موتورلانس به جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران و ناژکان اورژانس زمینی سازمان اورژانس کشور اختصاص دهند.

ریاست فدراسیون‌ها شغل محسوب نمی‌شود

ریاست فدراسیون‌های ورزشی آماتوری، ریاست کمیته ملی المپیک و ریاست کمیته ملی پارالمپیک شغل محسوب نمی‌شود و بازنشستگان هم می‌توانند ریاست آنها را عهده‌دار شوند. مضافا ریاست‌های مذکور از حیث صلاحیت عمومی مشمول مشاغل حساس می‌باشد.

تهیه اطلس حوزه زنان توسط معاونت امور زنان

معاونت امور زنان و خانواده با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط و مراکز پژوهشی و آندیوز مکلف است نسبت به تعیین شاخص‌های سنجش وضعیت زنان و خانواده، تهیه اطلس حوزه زنان و خانواده و آینده‌پژوهی مسائل این حوزه در سال اول برنامه اقدام کند.

تدبیل جمهوری اسلامی به قطب تامین سلامت منطقه جنوب غرب آسیا

تدبیل جمهوری اسلامی ایران به قطب تأمین سلامت منطقه جنوب غرب آسیا، دستیابی به صادرات سالانه بیش از یک میلیارد یورو دارو و ایمن‌ساز (واکسن) و بیش از یک میلیارد یورو تجهیزات پزشکی، افزایش درآمد سالانه کشور از گردشگری سلامت به شش میلیارد یورو و افزایش درآمد سالانه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حاصل از جذب دانشجویان خارجی در رشته‌های علوم پزشکی به بیش از هفتصد میلیون یورو.

پذیرش دانشجو توسط وزارت بهداشت با مشارکت بخش خصوصی

به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اجازه داده می‌شود به منظور مردمی‌سازی نظام آموزش عالی علوم پزشکی و پاسخگویی به تقاضای جامعه در رشته‌های مورد نیاز و در راستای بهره‌گیری از توانمندی‌های بخش غیردولتی و خصوص